

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۱۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۱۷

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی
سال چهارم، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۹۴

نقش انتظار در تحقق امت واحده

علی جدید بناب*

چکیده

انتظار، مهدویت، اتحاد و انسجام اسلامی و امت واحده اسلامی از مقوله‌هایی‌اند که ارتباط ویژه و خاصی با هم دارند. در این تحقیق سعی بر این است که نخست، انتظار و وحدت و امت واحده از منظر قرآن و روایات بررسی شود و تا حدودی وجوه تشابه آنها و ارتباط عمیقشان به دست آید. در ادامه، شاهد و دلیل بر شکل‌گیری امت واحده در صدر اسلام با تدبیر و درایت رسول گرامی اسلام ﷺ بیان می‌شود که برگرفته از وحی و تعالیم آسمانی است. در حقیقت، در دوره آخرالزمان هم مقوله انتظار در فراهم شدن بسترهای لازم برای تشکیل امت واحده اسلامی تأثیر شگرفی دارد. در نهایت، به مدینه فاضله و تمدن اسلامی که در جهت فرهنگ انتظار پدید می‌آید، توجه می‌شود.

واژگان کلیدی

انتظار، امت واحده، مهدویت، تمدن اسلامی، جامعه مهدوی.

مقدمه

زندگی بشری در فراز و نشیب خویش، با آسیب‌ها، مشکلات، ناهنجاری‌ها و ناامنی‌هایی روبه‌روست. از این رو، دغدغه بیشتر افرادی است که زندگی را منحصر به همین دنیای مادی نمی‌دانند. در همین جهت، افرادی که با تعالیم آسمانی و وحی مرتبط می‌شوند، خود را به ساحل نجات می‌رسانند و به آرامش دست می‌یابند. مقوله انتظار یکی از راهکارهایی است که امروزه در حل این مشکل بسیار کارساز است و پاسخ‌گوی نگرانی مسلمانان درباره تفرقه، نفاق و از هم‌گسیختگی است.

بررسی این دو مقوله یعنی وحدت، انسجام، امت واحده و انتظار می‌تواند در تشکیل امت واحده اسلامی راه‌گشا باشد و مسلمانان را در رسیدن به مطلوب یاری‌گر باشد. در این زمینه، بررسی مبانی قرآنی و روایی بسیار مؤثر و کارساز است که در این مقاله به موارد مهمی اشاره می‌شود.

مفهوم انتظار

انتظار در لغت به معنای «ماندن در جایی یا صبر کردن تا زمانی معین برای آمدن کسی یا روی دادن اتفاقی» آمده است. (انوری، ۱۳۸۱: ۵۸۹ - ۵۶۰) در کتاب‌های شیعه، انتظار را به حالتی قلبی و نفسانی تعریف کرده‌اند که «معنای انتظار عبارت است از یک حالت قلبی و روحی که از آماده شدن برای چیزی که در انتظارش هستی، برمی‌آید. پس هر قدر انتظار شدیدتر باشد، آماده شدن هم بیشتر می‌شود. آیا نمی‌بینی وقتی مسافری داشته باشی که منتظر آمدنش هستی، هر چه زمان آمدنش نزدیک‌تر شود، آمادگی تو هم برای این امر بیشتر می‌شود». (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۱۵۲)

انتظار امری است که شیعیان در زمان غیبت امام دوازدهم خود، مهدی باید به آن پایدار باشند. به این معنا که باید منتظر ظهور امام زمان علیه السلام باشند و این را از یاد نبرند و هر لحظه به یاد او باشند. تا جایی که یکی از شرط‌های پذیرفته شدن اعمال شیعیان، انتظار فرج امام زمان علیه السلام است. (کلینی، ۱۴۰۵: ح ۱۳؛ النعمانی، ۱۳۸۷: باب ۱۱، ح ۱۶)

مفهوم مذهبی انتظار، امید به آینده است؛ آینده‌ای که در آن، مردم جهان، از زور و فشار و استبداد و تسلط نظام‌های غلط نجات یابند و رژیم‌های ضد انسانی از میان بروند و زندگی پرفراز و نشیب انسان‌ها، سرشار از صلح و امنیت شود و حق پرستان، پیروز و باطل‌گرایان

نابود شوند.

آن چه از مجموع آیات و روایات اسلامی و مفهوم کلمه انتظار استفاده می‌شود، این است که انتظار، در همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی، عامل رشد و اصلاح، مقاومت و پیشرفت، بیداری و حرکت و از عقاید انقلاب‌آفرین و ریشه اصلی قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام است. معمولاً انتظار به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می‌کند. برای مثال، بیماری که انتظار بهبودی می‌کشد یا پدری که در انتظار بازگشت فرزندش از سفر است، از بیماری و فراق فرزندش، ناراحت است و برای وضع بهتر می‌کوشد. همچنین تاجری که از بازار آشفته ناراحت است و در انتظار فرو نشستن بحران اقتصادی است، این دو حالت را دارد: بیگانگی با وضع موجود و تلاش برای وضع بهتر. بنابراین، مسئله انتظار حکومت حق و عدالت مهدی و قیام مصلح جهانی شامل دو عنصر است: عنصر نفی که همان بیگانگی با وضع موجود است و عنصر اثبات که همان خواستن بهترین وضع است.

اگر این دو جنبه در روح انسان، به صورت ریشه‌دار حلول کند، سرچشمه دو رشته اعمال دامنه‌دار خواهد شد. این دو رشته اعمال عبارتند از: ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه با آنها از یک سو، و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی‌های جسمی، روحی، مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی، از سوی دیگر.

مرحوم مظفر در این زمینه می‌نویسد:

از چیزهایی که در این زمینه باید بدانیم، این است که معنای انتظار ظهور آن مصلح نجات‌بخش این نیست که مسلمانان در امر دین و احیای حق از یاری او دست بردارند و جهاد در راه دین و عمل به احکام آن را ترک کنند و دست روی دست بگذارند و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و مانند آن را فقط به خود آن حضرت واگذار نمایند، بلکه هیچ وقت تکلیف عمل به احکام شرعی از دوش مسلمانان برداشته نمی‌شود و پیوسته بر آنان واجب است که بکوشند حقیقت را درک کنند و راه‌های صحیح وصول به آن را به دست آورند و تا جایی که قدرت دارند، از زیر بار مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر شانه خالی نکنند. بر هیچ مسلمانی روا نیست که به بهانه این که منتظر مهدی علیه السلام و اصلاً راهنما و بشارت‌دهنده است، از آن چه بر او واجب است، دست بردارد؛ زیرا این امر نه تکلیفی را ساقط می‌کند و نه انجام وظیفه‌ای را به تأخیر می‌اندازد و نه انسان را مانند جانواران چرنده بی‌مسئولیت و مهمل می‌سازد. (فضلی، ۱۳۵۷: ۷۸)

مفهوم امت واحده

امت در لغت به «مجموع پیروان یک دین و پیغمبر» گفته می‌شود. امت اسلام؛ مجموع پیروان یک دین و پیغمبر؛ امت مرحوم؛ پیروان دینی که با آنان با مهربانی رفتار می‌شود؛ مسلمانان؛ امت واحده؛ امت متحد و یک‌پارچه». (انوری، ۱۳۸۳: ۵۵۸ - ۵۵۹)

بررسی مقوله انتظار در کتاب الهی

انتظار فرج که افضل اعمال و عبادات امت پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد ﷺ است، جایگاه بسیار والایی دارد که در آیات و روایات فراوانی بررسی شده است. خداوند متعال در قرآن مجید، در موقعیت‌های متعددی از این حادثه عظیم صحبت کرده است که در جای خویش اهمیت دارد. در ادامه به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

۱. «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛
(قصص: ۵)

و ما اراده داشتیم که بر آن طایفه ضعیف و ذلیل شده در آن سرزمین منت گذاریم و آنها را پیشوایان (خلق) قرار دهیم و وارث (ملک و جاه فرعونیان) گردانیم.

مسئله‌ای که قرآن زیر عنوان ظهور بیان می‌کند، مسئله امامت مستضعفان است که در روایات به ائمه تفسیر شده است.

۲. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ (نور: ۵۵)

خدا به کسانی از شما بندگان که [به خدا و حجت عصر ﷺ] ایمان آوردند و نیکوکار گردند، وعده فرمود که (در ظهور امام زمان ﷺ) در زمین خلافتشان دهد، چنان‌که امم صالح پیامبران سلف را جانشین پیشینیان آنها کند و دین پسندیده آنان را (که اسلام واقعی است، بر همه ادیان) تمکین و تسلط عطا کند و به همه آنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی، بی‌هیچ شایبه، شرک و ریا پرستش کنند.

وعده قطعی الهی به همه مؤمنان و اولیا و انبیا در طول تاریخ این است که آنها وارثان خلافت الهی بر روی زمین خواهند بود و به مقام مکنوت در دینی می‌رسند که خدای متعال آن دین را پسندیده است. دین مرضی خدای متعال که فرمود:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ

دیناً». (مانده: ۳)

اسلامی است که رکن آن، ولایت ائمه است. آنهایی که در عصر ظهورند، از دریافت این دین، متمکن می‌شوند و خوف و نگرانی‌ها از آنها برداشته می‌شود. در آن عصر، وادی ایمن برای بندگی، آماده و بساط شرک در عالم جمع می‌شود.

۳. «يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (صف: ۸)

کافران می‌خواهند تا نور خدا را به گفتار باطل (و طعن و مسخره) خاموش کنند و البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندارند، کامل و محفوظ خواهد داشت.

جبهه باطل و پرچم‌داران آنها می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند، اما برخلاف همه تهدیدها، نقشه‌ها و امدادی که می‌شوند، خداوند متعال همه آن سر و صداها را در یک کلمه به شکل خلاصه می‌فرماید: «یک بازدم بیش نیست.» آن چه اراده الهی بر آن تحقق گرفته، آن است که این نور در عالم جریان یابد و به اتمام برسد. در روایات آمده است: «يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا - ولایت امیرالمؤمنین - بِأَفْوَاهِهِمْ». نور یعنی «الامامه» و آن چه در عصر ظهور تجلی پیدا می‌کند، امام و نور امام است.

۴. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه: ۳۳)

اوست خدایی که رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد.

در روایت آمده است: «هو الذي أمر رسوله بالولاية لوصيه والولاية هي دين الحق». خداوند نبی اکرم ﷺ را مأمور کرد که این ولایت را در عالم دنیا بیاورد و حضرت در غدیر آن را به انجام رساند تا این باب برای همه به سوی ملکوت و غیب عالم گشوده شود. آن چه در عصر ظهور واقع می‌شود، ولایت و نورانیت امام است.

۵. «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» (زمر: ۶۹)

در عصر ظهور، زمین با نور پروردگار روشن می‌شود. در روایات تأکید شده است که این مورد مربوط به عصر ظهور است. «إِذَا اسْتَعْتَى النَّاسُ عَنِ صَوِّ الشَّمْسِ وَ نُورِ الْقَمَرِ وَ يَجْتَزِئُونَ بِنُورِ الْإِمَامِ». (تفسیر قمی، طبع سنگی، ۵۸۱) آن قدر عالم نورانی می‌شود که مردم از نور ماه و خورشید بی‌نیاز می‌شوند، چنان که روشنائی بهشت از تجلیات وجود مقدس امیرالمؤمنین عليه السلام است.

۶. «اعْمَلُوا إِنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (حدید: ۱۷)

بدانید خداست که زمین را پس از مرگ (خزان) زنده می‌گرداند.

همان گونه که زمین در پاییز می‌میرد و در بهار با بارش باران و رحمت الهی زنده می‌شود، در دوره ظهور وقتی حقیقت ولایت تنزل پیدا می‌کند، همه زنده می‌شوند. البته «مَوْتُ الْأَرْضِ مَوْتُ أَهْلِهَا وَ الْكَافِرُ مَيِّتٌ»، یعنی مراد از زنده کردن زمین و اهل زمین است. در عصر ظهور، ولایت که سرچشمه حیات است، در زمین جاری می‌شود: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ». هر بهاری، یک تجلی از امام است. «وَ أَخِي بِهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ». قلوب مُرده با نفس امام زنده می‌شود. البته آن حیات، حیات دیگری است. از این رو، انبیا، اصحاب کهف و کسان دیگر مانند حضرت سلمان، در عصر ظهور برمی‌گردند تا بهره‌مند شوند.

۷. «وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى. وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى» (لیل: ۲)

قسم به شب تاریک که (جهان را در پرده سیاه) بپوشاند و قسم به روز هنگامی که روشن و فروزان شود.

به دنبال شب ظلمانی، شمس امام در عصر ظهور تجلی می‌یابد و عالم را نورانی می‌کند.

۸. «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا. وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا. وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» (شمس: ۱-۳)

قسم به آفتاب و تابش آن (هنگام رفعتش). و قسم به ماه آن گاه که در پی آفتاب تابان در آید و قسم به روز هنگامی که جهان را روشن سازد.

در روایات ذیل این آیه چنین آمده که حقیقت شمس، وجود نبی اکرم ﷺ است. خورشید مثلی است که اهل دنیا را به درک ممثّل رهنمون شود. همه عالم مثال است. ممثّلش عالم غیب است. نبی اکرم ﷺ شمس همه کاینات است. دین پرتویی از ولی کامل است. دین پرتویی از وجود نبی اکرم است که بر عالم می‌تابد و همه را زنده می‌کند. آن کسی که این شمس را تجلی می‌دهد، وجود مقدس امام زمان ﷺ است.

آن چه در عصر ظهور محقق می‌شود، مدرنیته اسلامی نیست که همین علوم و تکنولوژی را با اخلاق جمع کنند، چه آن که عدل سوسیالیستی یا مکتب رفاه و امثال آن نیست. حرکت عصر ظهور، تحولی عمیق و فراتمدنی است. «وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ». (انعام: ۱۱۵) آن کلمه تامه خداوند متعال که عین عدل و صدق است، در عصر ظهور تجلی پیدا می‌کند. عدلی ورای امام نداریم. عدل، تجلی امامت امام در روابط است که در عصر ظهور تحقق می‌یابد.

بر اساس نگاه قرآنی که اشاره شده، عصر ظهور عصر تجلی نور امام و غلبه بر جریان ظلمات است، عصر غلبه جنود عقل بر جنود جهل و عصر کامل شدن عقول است. ایمان، وزیر این عقل است، نه فرع بر علم و محاسبه. در این عصر، آیه نور در عالم دنیا تجسد پیدا می‌کند و متمثل و بساط جریان آیه ظلمات، جمع و حق مطلق فراگیر می‌شود: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ» (اسرا: ۱۸۹) همچنین خلافت کلی الهی بر روی زمین محقق می‌شود. همه با هم همراه امام، مشغول عبادت هستند. همه حول امام در سجده‌اند و در همه زندگی‌شان در نمازند: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» (معارج: ۲۳)

آن چه در عصر ظهور پدیدار می‌شود، چیزی ورای خود امام نیست. تجلی آن غیب، در شهود است. کلمه تامه الهی که در حجاب غیب است، ظهور می‌یابد. تحولات عظیمی که در همه کاینات در عصر ظهور اتفاق می‌افتد، چیزی جز تنزل حقیقت امام و تحقق آن حقیقت در عالم دنیا نیست. به تعبیر دیگر، آن چه در عصر ظهور تجلی پیدا می‌کند، از شئون خود امام است. از این رو، این که گفته می‌شود امام می‌آید و عدل به پا می‌کند، قابل فهم نیست. آیا دین یا عدل را امام محقق می‌کند یا امام، خود دین و عدل است؟

عصر ظهور، عصر خلافت الهی در زمین است. خلافت کلیه از آن امام است. «إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ». امام خلافت می‌کنند و همه مؤمنان، حول امام به خلافت جزئی می‌رسند. محور تحقق ظهور هم شخص امام است. هم چنان که «صَرَبْتُ عَلَى يَوْمِ الْخَنْدَقِ أَفْضَلَ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ»، دعای امام هم همین گونه است و خلافت الهی در زمین با دعای ایشان محقق می‌شود؛ هر چند دعای دیگران هم اثر دارد: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ». (نمل: ۶۲)

دو غفلت عمده باعث شده است که در فهم قرآن دچار مشکل شویم. در روایات آمده است: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ وَلَايَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قُطْبَ الْقُرْآنِ وَ قُطْبَ جَمِيعِ الْكُتُبِ». ما هم «امام» را بد می‌فهمیم و هم قرآن را. امام را در حد منزلت جسمانی دنیایی می‌شناسیم، هر چند همین مرتبه هم فوق العاده و غیرقابل مقایسه با احدی است، اما امام امت، قطب محوری قرآن و قطب همه کتاب‌های آسمانی است. کلمه تامه خداست. کلمه جامع عدل و کلمه صدق الهی و عین عقل است. همه چیز به امام تعریف می‌شود: «نَحْنُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ وَ مِنْ فُرُوعِنَا كُلِّ يَرٍ». از این رو به ما گفته‌اند: «لَا يَسْتَكْمِلُ أَحَدٌ الْإِيمَانَ حَتَّى يَعْرِفَنِي كُنْهَ مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ». اگر امام را این گونه بشناسیم، بسیاری از آیات معنا می‌شوند. مثلاً «يُدَاللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح: ۹) معنا

می‌شود. درست است که خدا به معنای رایج دست ندارد، اما امیرالمؤمنین علیه السلام، یدالله است. امام زمان علیه السلام، وجه‌الله، عین‌الله و باب‌الله است. در این صورت، نه خدای متعال تشبیه، نه آیه، تمثیلی معنا می‌شود. اگر امام را این‌گونه بشناسیم، همه کمالات در وجود امام است.

بررسی مقوله انتظار در احادیث

به مقوله انتظار در منابع روایی به طور مبسوط توجه شده است. در این جهت، معصومان علیهم السلام روایات متعددی درباره انتظار بیان کردند. از پیامبر مکرم اسلام حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است:

أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي أَنْتَظِرُ فَرَجَ اللَّهِ تَعَالَى. (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۳۶)

در روایت معتبر، انتظار در کنار شهادت به وحدانیت خداوند متعال و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار داده شده است که جایگاه و اهمیت انتظار را از منظر روایات معصومین علیهم السلام می‌رساند. در روایتی آمده است:

عن جابر قال سمعته يقول: دخل على أبي عليه السلام رجل و كانت معه صحيفة فيها مسائل و أشياء فيها تشبه الخصومة فقال له ابو جعفر عليه السلام هذه صحيفة رجل محاصم يسئلي عن الدين الذي يقبل الله فيه العمل فقال له الرجل رحمك الله هذا الذي اريد فطواها ثم قال له ابو جعفر عليه السلام شهادة ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و على اهل بيته و الاقرار بما جاء من عند الله و ولايتنا و البرائة من اعدائنا و التسليم لامرنا و التواضع و الورع و الطمانينة و انتظار قائمنا فان الله ان اراد ان ينصرنا نصرنا. (حضرمی، بی تا: ۷۱)

در روایتی دیگر از امام رضا علیه السلام، انتظار فرج در کنار صبر آمده و از کلام الهی نیز کمک گرفته شده است:

عن أحمد بن محمد عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: سمعته يقول ما أحسن الصبر و انتظار الفرج، أما سمعت قول العبد الصالح فَاَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ. (بحرانی، ۱۴۱۳: ۲۳؛ عیاشی، بی تا: ۲۰)

در روایتی دیگر در همین زمینه آمده است:

عن محمد بن الفضيل عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال سألته عن شيء في الفرج، فقال: أو ليس تعلم أن انتظار الفرج من الله يقول: فَاَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ. (بحرانی، ۱۴۱۳: ۲۵۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۳، ۱۳۷؛ عیاشی، ج ۲، ۱۳۸)

امام صادق علیه السلام فرمود:

زمانی که بندگان به خدای متعال نزدیک‌ترند و خدا از ایشان بیشتر راضی است، زمانی است که حجت خدای متعال از میان آنها مفقود شود و آشکار نگردد و جای او را هم ندانند و از طرفی هم بدانند که حجت و میثاق خدا باطل نگشته و از میان نرفته است. [فضیلت این زمان برای بندگان از این جهت است که شخص امام و معجزات او را به چشم نمی‌بینند و تنها از روی تفکر و تأمل در آثار و براهین به وجود او معتقد می‌شوند و شبهات و وساوس شیاطین جن و انس هم در آن زمان بسیار است.] در آن حال، در هر صبح و شام به انتظار فرج باشید [و با این عمل، غم و اندوه را از خود بزدايید و چون وقت ظهور معلوم نیست، همیشه احتمال آن می‌رود و امید و نشاط شما را زنده نگه می‌دارد، از رحمت خدا مأیوس نباشید؛ زیرا سخت‌ترین موقع خشم خدا بر دشمنانش زمانی است که حجت او از میان بندگان مفقود باشد و آشکار نشود و خدا می‌داند که اولیایش (در زمان غیبت امام هم) شک نمی‌کنند و اگر می‌دانست شک می‌کنند، چشم به هم زدنی، حجت خود را از ایشان نهان نمی‌داشت و ظهور امام جز بر سر بدترین مردم نباشد (یعنی برای از بین بردن آنها و جایگزینی عدل و داد است یا آن که غضب خدا در زمان غیبت مخصوص مردم بد است، ولی نسبت به مؤمنین رحمت و ثواب است). (کلینی، ۱۴۰۵: ج ۲، ۱۲۸)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هر کس که خواسته باشد از یاران قائم علیهم السلام شود، باید که منتظر باشد و با پرهیزکاری و خوی‌های پسندیده عمل کند و اوست منتظر. پس هر گاه بمیرد و قائم پس از مردنش به پا خیزد، پاداش او مثل کسی خواهد بود که دوران حکومت آن حضرت را درک کرده باشد. (موسوی اصفهانی: ۱۳۸۱: ج ۲، ۱۲۹)

عبدالرحمان بن کثیر گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم که مهزم وارد شد و عرض کرد: قربانت، به من خبر دهید، این امری که در انتظارش هستیم، کی واقع می‌شود؟ فرمود: ای مهزم! دروغ گفتند وقت‌گزاران و هلاک شدند شتاب‌کنندگان و نجات یافتند تسلیم‌شوندگان.

به همین تناسب، در فرهنگ دینی و در روایات ما، منتظران از جایگاه والا و ممتازی برخوردارند و تعبیرهای مهمی در مقام و منزلت آنها بیان شده است تا جایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، آنان را برادران خود می‌نامند و امیر مؤمنان، علی علیه السلام می‌فرماید:

منتظران امر ما مانند کسانی هستند که در راه خدا به خون خود غلتیده‌اند. (صدوق، ۱۴۰۳: ج ۲، ب ۴۰۰، ح ۱۰)

امام سجاد علیه السلام درباره ایشان می‌فرماید:

منتظران ظهور، برترین مردمان همه روزگارانند. (طبرسی، ۱۴۱۱: ج ۲، ۵۰)

که خداوند به ایشان اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد عطا می‌کند. (قندوزی حنفی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۱۶۴) آنان به مجاهدان پیکارگری می‌مانند که پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله با شمشیر نبرد می‌کنند. (ابن بابویه، ۱۳۷۷: ج ۱، ب ۳۱، ح ۲)

امام کاظم علیه السلام درباره شیعیان و منتظران عصر غیبت می‌فرماید:

خوشا به حالشان، به خدا سوگند، آنان در روز قیامت، در مرتبه ما و با ما خواهند بود. (همان، ج ۱، ب ۳۲، ح ۱۵)

ابوالصلت هروی می‌گوید:

از امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: خدا رحمت آورد بر بنده‌ای که امر ما را احیا کند. گفتم: چگونه امر شما احیا می‌شود؟ فرمود: علوم ما را فرا گیرد و به مردم بیاموزد؛ زیرا مردم اگر زیبایی‌های کلام ما را بدانند، از ما پیروی می‌کنند. (ری شهری، ۱۳۷۷: ج ۸، ح ۱۳۷۹۷)

معرفت به امام زمان علیه السلام وظیفه شیعیان و دوستان آن بزرگوار است. اگر این معرفت نباشد، زندگی انسان زندگی در حیرت است و مرگ او، مرگ جاهلی. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۳۰)

در زمان غیبت، یاد حضرت بقیه الله، انتظار او، ایمان به او و یقین به ظهور حضرتش، بالاترین تکلیف الهی است که خدای تعالی برای شیعه معین ساخته است. (کلینی، ۱۳۷۶: ۲)

مشخصه‌های جامعه مهدوی

دین مبین اسلام بر اساس جامعیت در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، خانواده و مذهبی، برنامه و دستورالعمل‌های اجرایی و کاربردی داشته و دارد. نمونه برجسته آن نیز تشکیل حکومت اسلامی به وسیله پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به محض فراهم شدن شرایط بود. در طول تاریخ حیات ائمه علیهم السلام و عصر غیبت، تسلط بنی‌امیه و بنی‌عباس و به تبع آن، دیگر سلاطین و حکام، عرصه را بر انسان‌های الهی و ملکوتی تنگ کرد و امکان تشکیل حکومت اسلامی، به معنای واقعی فراهم نشد. در هر صورت، لازمه اجرای بخشی عظیم از احکام اسلام، تشکیل حکومت اسلامی است که ضرورت آن در دوره حکومت حضرت مهدی علیه السلام دو چندان است. یکی از ابزار و لوازم تشکیل این حکومت الهی، ایجاد وحدت،

هم‌دلی و هم‌زبانی بین مسلمانان در سراسر جهان است. بنابراین، براساس منابع دینی و روایی برای جامعه مهدوی، این ویژگی‌ها را می‌توان بیان کرد:

جهانی بودن: وحدت، حتی وحدت فکر در جامعه جهانی اسلامی، فراگیر، عمیق و واقعی است. این امر ناشی از ادراک واحد مفهوم واژه‌هاست. بنابراین، جای شگفتی نیست که انسان‌ها در عرصه دینی هم یکسان بیندیشند و فرمانروایی ولی عصر علیه السلام را در شرق و غرب بپذیرند و تنها دین خدا را بر خود حاکم گردانند.

عدالت: عدالت گسترده و حقیقی، از ویژگی‌های بارز نظام جهانی مطلوب اسلامی است که ریشه ستم را می‌خشکاند و تبعیض، استعمار و استثمار را نابود می‌سازد.

امنیت: امنیت از ضروری‌ترین نیازهای زندگی است. بخش عظیمی از تاریخ، برای جلوگیری از ناامنی و استقرار امنیت سپری شده است. تاکنون تئوری‌های بسیاری همچون موازنه قوا، امنیت دسته جمعی و حکومت جهانی برای پدید آوردن صلح شکل گرفته است، اما باید گفت امنیت کامل تنها در حکومت جهانی الهی وجود دارد.

رشد و توسعه: در عصر امام زمان علیه السلام، پیشرفت علوم سریع اتفاق می‌افتد و رشد می‌کند. در عصر ظهور، علوم و دانش به کار گرفته می‌شود و سازمان‌دهی صحیح تولید انجام می‌گیرد تا از همه منابع و استعداد‌های زمین برای توسعه اقتصادی بشر استفاده شود. بنابراین، عصر ظهور، عصر توسعه اقتصادی نیز به شمار می‌رود.

وحدت و امت واحده در قرآن کریم

دین مبین اسلام به مقوله وحدت، اتحاد و انسجام تأکید ویژه‌ای دارد و امت اسلامی را به هم‌دلی، صمیمیت و متحد بودن تشویق و از تفرقه و نفاق نهی می‌کند و امت اسلامی را به منزله امت واحده معرفی می‌فرماید:

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾. (انبیاء: ۲۲)

بدون تردید، وحدت و هم‌دلی از اصولی‌ترین آموزه‌های مترقی و بلند قرآن مجید است. گواه این مدعا، ده‌ها آیه قرآن است که مسلمانان و جهانیان را به گرد آمدن بر محور حقیقت و ترک جدال و تفرقه دعوت می‌کند و به همین نسبت، آیاتی است که از تفرقه و اختلاف، نهی می‌کند و آن را مطرود می‌شمارد.

زمانی که خداوند اصولی‌ترین دعوت پیامبران الهی را مطرح می‌سازد، موضوع پرهیز از

«تفرقه» را پیامی هم‌سنگ با اصل برقراری دین می‌شمارد. خداوند می‌فرماید:

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ﴾ (شورا: ۱۳)

برای شما از دین همانی را مقرر کرد که نوح را بدان سفارش کرده بود و نیز آن‌چه به تو وحی کردیم و آن‌چه ابراهیم و موسی و عیسی را بدان سفارش کردیم که دین را به پا دارید و در آن پراکندگی و اختلاف نکنید.

در این آیه، دو پیام اساسی به عنوان عصاره دعوت همه پیامبران بزرگ خداوند اعلام شده است:

۱. برپا کردن دین خداوند؛

۲. پرهیز از تفرقه و اختلاف.

اختلاف و تفرقه، مهم‌ترین آفتی است که ممکن است دامن‌گیر دین خدا شود که با روح برپایی دین در تضاد است. پیامبر خدا ﷺ برای پدید آمدن این وحدت و اوج‌گیری آن، دو بال را مطرح کردند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی». قرآن و عترت، دو لنگر کشتی عظیم وحدتند که نجات‌بخش امت اسلام است. قرآن در میان مسلمانان شناخته شده است، اما عترت، یادگار پیامبر ﷺ برای دوره آخرالزمان، شخصیتی الهی است که پیامبر خدا ﷺ، نام، کنیه و اوصاف او را بیان کرده‌اند. وجود صدها حدیث در کتاب‌های معتبر فرقه‌های مختلف اسلام درباره حضرت مهدی ﷺ بیانگر استمرار عترت در وجود شریف آن حضرت است؛ محوری که می‌تواند همه مسلمانان را در انتظاری مقدس، سازنده، آرمان‌ساز و جهت‌دهنده شکل دهد.

شکل‌گیری امت واحد در صدر اسلام، دلیلی بر اثبات ادعای تحقق جامعه جهانی مهدوی

از دیدگاه اسلام، فلسفه آفرینش دست‌یابی به کمال است. رسیدن به کمال نیز تنها در پرتو تبعیت از امام معصوم که انسان کاملی است، محقق می‌شود. در نظام ولایت الهی، امام و امت دو اصل اساسی به شمار می‌روند و دست‌یابی به کمال در گرو همکاری و هم‌دلی امت با امامت است. نظام امامت و امت، در تاریخ مسلمانان بی‌سابقه نیست؛ زیرا نظام اسلامی که پیامبر بنا نهاد، مصداق عینی آن به شمار می‌رفت. تشکیل حکومت اسلامی به وسیله نبی اکرم ﷺ در مدینه، سرآغاز حرکتی تازه برای شکل‌گیری حکومت بزرگ اسلامی یعنی نظام جهانی اسلام شد.

به بیان دیگر، پیامبر اسلام ﷺ پس از سیزده سال تبلیغ مخفی و آشکار اسلام، با توطئه سران قریش مبنی بر قتل خویش روبه‌رو شد و به ناچار در سال چهاردهم بعثت (۶۲۲ میلادی) از مکه به یثرب (مدینه) هجرت و در آن سال، حکومت اسلامی را بنیان نهاد. پیامبر اسلام ﷺ با عقد پیمان اخوت بین مسلمانان (انصار و مهاجر)، بنیان مسجد به عنوان پایگاهی عبادی - سیاسی، بستن پیمان با یهودیان (منشور مدینه)، ایجاد ساختار سیاسی و اجتماعی و تشکیل هسته‌های رزمی (ارتش) و سپس اعزام مبلغان قرآن و آموزه‌های اسلامی به سراسر شبه جزیره، حکومتی را بنا نهاد که در عدالت و امنیت بی‌سابقه بود.

پیامبر اسلام ﷺ در سیاست داخلی، حکومتی را پدید آورد که در آن، شرک در جزیره‌العرب ریشه‌کن شد، پرچم توحیدی در کعبه به اهتزاز درآمد، اسلام در جزیره‌العرب گسترش یافت و به بسط عدل و عدالت پرداخت. پیامبر اسلام ﷺ سیاست خارجی را نیز بر پایه این دو اصل استوار ساخت:

۱. **دعوت:** پیامبر اسلام ﷺ از سال ششم هجرت، سفیرانی را به سوی حاکمان بزرگ جهان، همچون امپراتور روم شرقی؛ کسرا، شاهنشاه ایران؛ نجاشی، پادشاه حبشه؛ مقوقس، والی مصر؛ امیر یمامه و امیر غسان فرستاد و آنان را به دین خدا و تن دادن به نظامی عادلانه فراخواند.

۲. **جهاد:** رسول اکرم ﷺ با امیرانی که دعوت اسلام را رد کردند و با آن به عداوت پرداختند، به مجادله و مجاهده پرداخت. برای مثال، سه بار به روم شرقی لشکر کشید. لشکر سه هزار نفری مسلمانان در سال هشتم هجری برای نبرد با امپراتوری روم شرقی به مدینه فرستاده شد، ولی بدون پیروزی بازگشت. بار دیگر، پیامبر اسلام ﷺ در سال نهم هجری با ده هزار سرباز به تبوک رفت که به عقب‌نشینی لشکر روم انجامید. سرانجام پیامبر در واپسین دوره عمر مبارکش، لشکری را به فرماندهی اسامه بن زید، تجهیز و دستور حرکت آن را به مناطق مرزی روم شرقی، صادر کرد. بنابراین، نظام جهانی پیامبر اکرم ﷺ نخست بر پایه دعوت و در مرحله بعد، چنان که با نبرد مسلحانه دعوت‌شدگان روبه‌رو می‌شد، به جهاد بر ضد آنان می‌پرداخت.

باور به انتظار، زمینه ساز امت واحده

باور به انتظار و مصلح جهانی، زمینه را برای فراهم شدن امت واحده اسلام مهیا می‌سازد. رهبری و امامت در نظام جهانی اسلام، از سه ویژگی برخوردار است:

رهبری مرکزیت و قطب ایدئولوژیک، عقیدتی، معنوی و سیاسی است و کانون وحدت و یک‌پارچگی جامعه بشری به شمار می‌رود. او بر اساس احکام الهی، فرمان صادر و امت نیز بر مبنای ایمان و آگاهی، از او اطاعت می‌کند. امام در این نظام، زمامدار برحق و هدایت‌کننده مردم به سوی حق تعالی و واسطه فیض الهی و محور حرکت و فعالیت بشریت است. حضرت علی علیه السلام، امام را به محور سنگ آسیاب تشبیه می‌کند. در جامعه جهانی ولی عصر علیه السلام، استعداد های مردم با پیروی از امام شکوفا می‌شود و مردم در پرتو هدایت او به کمال دست می‌یابند. (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ص ۵۸)

امام، برگزیده الهی و منتخب خداست. این لطف خداست که بر انسان‌ها ممت نهاد و فرد ممتاز و برجسته را با ویژگی‌های برتری همچون فضیلت، تقوا، علم و آگاهی (اسوه و انسان کامل) به فرمانروایی جهان گمارده است. همیشه خرد آدمی در درک واقعیت‌ها توانا نیست. بنابراین، به عنایت الهی در چارچوب وحی نیاز دارد تا راه هدایت و کمال را بییابد. تحقق امامت و به دست گرفتن حکومت، به پذیرش مردم مرتبط است. امام معصوم هنگامی می‌تواند حاکمیت الهی را محقق سازد که مردم، آگاهانه به او ایمان آورند و از سرِ اخلاص از او پیروی کنند. بدیهی است در این صورت، بشر آگاه، بیشتر و آسان‌تر به سوی مصلح حقیقی خویش یعنی هدایت و کمال گام برمی‌دارد و نظام امامت و امت استواری را بنیان می‌نهد. (حسن ابراهیم حسن، ۱۳۶۶: ۱۸۶)

مدینه فاضله و تمدن اسلامی، نتیجه جامعه منتظر و امت واحد

انسان‌ها در نظام امامت و امت به بلوغ و شکوفایی، ارزش‌های الهی، ترقی، تکامل و هدایت نزدیکند. به این دلیل، زمینه وحدت‌یابی و تجمع‌گرایی در آنان فراهم است. جامعه جهانی اسلامی، جامعه‌ای همگون و متکامل، شکوفاکننده استعدادها، واجد استقلال کامل و همه‌جانبه افراد انسانی است و نیازهای بنیادین و فطری را برآورده می‌سازد که در این مسیر، فطرت و هویت مشترک، محور فعالیت و حرکت اجتماعی آن خواهد بود. بنابراین، کسانی که ایمان آوردند و عمل شایسته انجام دهند، عضو جامعه مطلوب اسلامی‌اند. به همین دلیل، آنان خلیفه خداوند هستند و در جامعه اسلامی، پرستش خدای یگانه جاری می‌شود.

«امت» به گروهی گفته می‌شود که مقصد و جهت واحدی دارند و رشته‌ای میان آنها وجود دارد که افراد را به هم پیوند می‌دهد. از این رو، این کلمه در قرآن برای پرندگان هم به کار رفته است. خداوند، از پرندگان سخن گفته و آنها را در امت بودن، مشابه انسان دانسته است. با

این وصف، انسان‌هایی که در جهتی خاص با هم تشریک مساعی می‌کنند، امت واحدی را تشکیل می‌دهند و این ناظر به واقعیتی بیرونی است. قرآن کریم در دو جا تأکید می‌کند که «امت شما، امت واحد است»: یکی، در سوره مؤمنون و دیگری، در سوره انبیا. یک احتمال این است که مقصود این باشد که امت اسلامی، امت واحد است و دینی یکتا دارد و احتمال دیگر، این است که پیامبران الهی و پیروان آنها همگی امتی واحدند و دینی واحد دارند. پیام قابل شرح این آیات آن است که توحید، اساس وحدت ادیان راستین الهی است و اختلافات، از سوی مردم و پیروان ادیان است، نه از سوی دین و پیامبران. از این رو، احزاب از نظر قرآن، با احزاب در جهان سیاست، مفهومی متفاوت دارد.

این نکته مهم است که به عوامل هم‌بستگی دقت لازم را داشته باشیم و آنها را ریشه‌یابی کنیم که از جهتی بررسی تاریخی حوادث جهان اسلام، نگرش ما را به این مهم تقویت سازد. در این زمینه می‌توان گفت همان عاملی که مایه پیدایش و رشد و بالندگی امتی دانا و توانمند شد و فرهنگ و تمدنی عظیم و ماندگار برای بشر به ارمغان آورد، علت بقا و دوام آن نیز است. مسلمانان با هر گرایش و اهل هر منطقه‌ای که بودند و از هر خون و نژادی که به وجود آمده بودند، تنها دل در گرو آیینی داشتند که خداوند برایشان فرستاده بود. سلیقه‌ها در دل این گرایش و دل‌بستگی ذوب می‌شد. سپس دعواها و کشمکش‌هایی آغاز شد که رگه‌هایی از فرهنگ جاهلی در آنها دیده شد. در این درگیری‌ها، زبان، نژاد، قوم و قبیله مطرح شد و عظمت و اقتدار اسلامی رو به افول گذاشت، اما اکنون باید در نظر داشت که علاوه بر سلیقه‌ها و گرایش‌های بومی و منطقه‌ای و قومی، عامل مهم‌تر و حیاتی‌تری می‌تواند همه را تحت تأثیر خود قرار دهد.

همه مؤمنان باید خط قرمز منبعث از وحی و نصوص دینی را رعایت و به این آیه قرآن توجه کنند که خداوند فرموده است: «همه با هم برادرند». اگر مسلمانان وظایف تعیین شده درباره خود و دیگر برادرانشان را در نظر داشته باشند و تکالیف خود را بدانند و حقوق دیگران را به رسمیت بشناسند، بخش عمده مشکلات موجود حل می‌شود. متأسفانه مسلمانان بنا به دلایل تاریخی، معرفتی و سیاسی، از اسلام پیامبر فاصله گرفتند. از این رو، اندیشمندان امت اسلامی باید امت را با اسلام اصیل و تکالیف خود و حقوق دیگران آشنا کنند.

قرآن، از منظر فردی، طالب مردمی موحد و خداجوست که تنها او را بپرستند و در راه او گام بردارند و در نگاه جمعی، مردمانی را می‌خواهد که در چارچوب تکالیف تعیین شده حرکت کنند

و حقوقشان رعایت شود و با هم برادرانه زندگی کنند و به داد هم برسند و ملاک برتری‌شان، دانش و تقوا باشد، آن هم در پیشگاه خدا که او نکته‌سنج و دانا به امور است. همچنین مردمانی با اخلاق و ادب و در میان خودشان، مهربان و در برابر متجاوزان و حریم‌ناشناسان توسعه‌طلب، همچون ید واحد و مقاوم و استوار باشند. البته رسیدن به این هدف، جز با جهاد اکبر و کنار گذاشتن خودبینی و خودخواهی امکان‌پذیر نیست.

اگر برنامه‌ریزی شود تا چنین انسان‌هایی تربیت شوند و معرفت و دانایی گسترش پیدا کند و مردم به وظایف و حقوق خود آشنا شوند و روابطشان انسانی و برادرانه باشد و خود، نظارت بر اعمالشان داشته باشند و در هر کاری تنها خدا را در نظر بگیرند و به فرمان هوس نباشند و مؤمنانه زندگی کنند، مدینه فاضله‌ای تشکیل می‌شود که امت مورد نظر قرآن در آن زندگی می‌کند؛ مدینه‌ای که از برکات و نعمت‌های خداوند، بهره‌مند است. در حقیقت، با نصب العین قرار دادن قرآن و سنت، امت واحده در جامعه اسلامی و به تبع آن، در جهان بشریت تجلی عینی پیدا خواهد کرد و این همان حکومت مورد نظر زمان امام عصر علیه السلام خواهد بود.

ضرورت تشکیل امت واحده اسلامی

تشکیل امت واحده اسلامی با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی و موقعیتی که ج مهوری اسلامی و جهان اسلام در آن قرار گرفته است و توطئه و دسیسه‌هایی که دشمنان اسلام برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان در نظر دارند، امر لازم و واجبی است. در این زمینه، مقام معظم رهبری، در سالروز بعثت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر این امر مهم تأکید دارند و چنین می‌فرمایند:

امروز پرچم‌اعتزاز به اسلام برافراشته شده و احساس هویت اسلامی در میان مسلمانان دنیا قوی‌تر از گذشته شده است و ملت ایران نیز با حسن ظن و اعتماد به وعده نصرت الهی در حال پیشرفت و پشت سر گذاشتن مشکلات و فتح یک به یک سنگرها در مسیر مبارزه با ظلم و جهل و بی‌عدالتی است. اگر در جامعه اسلامی، به کارگیری نیروی فکر و اندیشه، به صورت متداول و رایج درآید، بسیاری از مشکلات دنیای اسلام حل خواهد شد. نداشتن نگاه صحیح و درک عمیق از تعالیم اسلام و مفاهیم قرآنی باعث شده است که امروز عده‌ای به نام اسلام، به مسلمانان ظلم و آنان را قتل‌عام کنند و حتی در کشوری افریقایی، به نام اسلام، دختران بی‌گناه را بربایند. امروز دشمنان به مقابله علنی با اسلام روی آوردند و مهم‌ترین وسیله آنها، ایجاد اختلاف‌های عقیدتی و جنگ شیعه و سنی است که اگر نیروی خرد و اندیشه به کار گرفته شود، می‌توان دست دشمن و انگیزه‌های او

را دید و در مسیر اهداف بدخواهان اسلام قرار نگرفت. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولین، سفیران کشورهای اسلامی و گروهی از مردم، ۱۳۹۳/۰۳/۰۶ شمسی، سایت مقام معظم رهبری)

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای، اتحاد و تشکیل امت واحده را یکی دیگر از نیازهای ضروری دنیای اسلام برشمردند و با تأکید بر این که یکی از اهداف اصلی ایجاد اختلاف میان مسلمانان و ترویج شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی، سرپوش گذاشتن جبهه استکبار بر مشکلات خود و حفاظت از رژیم غاصب صهیونیستی است، می‌فرمایند:

انتظار از ملت‌های مسلمان به ویژه زیدگان و نخبگان امت اسلامی این است که با تدبیر و بصیرت، شناخت صحیحی از جبهه دشمنان امت اسلامی پیدا کنند و این حقایق روشن را به خوبی متوجه شوند. بی‌عدالتی، تبعیض، نادیده گرفتن کرامت انسانی، عمده کردن مسائل جنسی و تبلیغ گسترده تبرج زنانه، همه از مظاهر تمدن فاسد غربی است که در واقع، بازگشت به همان جاهلیت است، اما با شیوه‌ها و ابزار مدرن. این سرکوب در برخی مناطق، به ظاهر به نتیجه رسید، اما واقعیت آن است که بیداری اسلامی سرکوب شدنی نیست. انسان‌های دارای خرد و تدبیر، مشکلات را برای رسیدن به عزت و شرف انسانی و نزدیکی به خداوند تحمل می‌کنند، اما انسان‌های بی‌خرد به جای قبول ولایت الهی، به ولایت شیاطین تمسک می‌جویند و در مقابل آنها دچار ذلت می‌شوند. بر اساس آیات قرآن، انسان‌هایی که برای رسیدن به عزت، به جای هدایت و ولایت الهی، به دشمنان اسلام و بشریت و ولایت شیاطین متوسل می‌شوند، در نهایت، به عزت نخواهند رسید و همان شیاطین از آنها سپاس‌گزاری هم نخواهند کرد. باید از این فرمول قرآنی درس گرفت و راه صحیح و مسیر واقعی سعادت را که همان خط هدایت قرآنی است، شناخت. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولین، سفیران کشورهای اسلامی و گروهی از مردم، ۱۳۹۳/۰۳/۰۶ شمسی، سایت مقام معظم رهبری)

با توجه به وضعیت موجود جهان اسلام و فشارهای ناجوان‌مردانه‌ای که از سوی صهیونیسم جهانی و مخالفان مهدویت بر اسلام ناب اعمال می‌شود و نیز با توجه به ایجاد اسلام‌هراسی از جانب معاندان دین مبین اسلام، ضرورت شکل‌گیری امت واحده و از بین بردن عوامل تفرقه و نفاق میان مسلمانان بیشتر احساس می‌شود. بنابراین، لازم و ضروری است که نسبت به شناسایی زمینه‌های وحدت و راه‌های ترویج آن و همچنین شناسایی عوامل اختلاف بین مسلمانان و فرق مختلف آن، باید اقدام بسیار جدی و عملی صورت گیرد تا به فرمان‌های الهی در قرآن کریم جامه عمل پوشانده و دغدغه‌های معصومین علیهم‌السلام برطرف شود و نسبت به

ایجاد آرامش بین مسلمانان گام‌های مثبت برداشت.

نتیجه‌گیری

با بررسی انتظار و امت واحده در قرآن و منابع روایی، به نکات جالبی دست می‌یابیم که در حقیقت، ارتباط تنگاتنگ این دو واژه را نسبت به همدیگر نشان می‌دهد. در این پژوهش، این نتیجه حاصل می‌شود که باور به فرهنگ انتظار، زمینه را برای تشکیل امت واحده اسلامی فراهم می‌کند و عوامل تفرقه و نفاق را ریشه‌کن می‌سازد. برای رسیدن به این نتیجه، نخست، درباره انتظار و وحدت اسلامی با نگاه قرآنی و روایی، پژوهش شده و با استفاده از آیات قرآنی و نتایج ثمربخش آن و در ادامه، بررسی روایات معصومین علیهم‌السلام و تطبیق آن با آیات قرآنی، در مجموع این ادعا به مرحله اثبات رسیده است که توجه به وحدت و رعایت نکات لازم باعث بسترسازی برای تشکیل امت واحده اسلامی می‌شود. البته این امر با توجه به وضعیت ناپه‌نچار جهان کنونی، میسر نمی‌شود، مگر این که فرهنگ انتظار در جامعه بسترسازی شود که به یقین، با توجه به مقوله انتظار و باور قلبی آن و عملیاتی کردن آن در جامعه می‌توان گام‌های مهم و اثرگذاری برای رسیدن به مدینه فاضله برداشت.

به طور کلی، تمسک به قرآن و عترت بر اساس فرمایش گهربار رسول مکرّم اسلام (ص) و الهام گرفتن از دستوره‌های قرآنی و روایی برای تحقق امت واحده با فرهنگ‌سازی انتظار و مهدویت می‌تواند ما را در رسیدن به مطلوب یاریگر باشد.

منابع

- ابراهیم حسن، حسن (۱۳۶۶). تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: جاویدان.
- انوری، حسین (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
- بابویه قمی، ابوجعفر صدوق محمد بن علی بن حسین (۱۳۷۷). اکمال الدین و اتمام النعمه (کمال الدین و تمام النعمه)، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، تهران: انتشارات اسلامی.
- بابویه قمی، ابوجعفر صدوق محمد بن علی بن حسین (۱۴۰۳ هـ.ق). کتاب الخصال، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی، (۱۴۲۶ق). عیون اخبار الرضا علیه السلام، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- النعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب النعمانی (۱۳۸۷). ترجمه و متن غیبت نعمانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۷)، میزان الحکمه، چاپ اول، مترجم: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۹ هـ.ق). البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولین، سفیران کشورهای اسلامی و گروهی از مردم، ۰۶/۰۳/۱۳۹۳ شمسی، سایت مقام معظم رهبری.
- ابن شعبه، حسن بن حسن، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم (۱۳۶۲). تصحیح علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حضرمی، جعفر بن محمد (بی تا). الاصول السنه عشر، بی جا: دار الشوشتری.
- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب (۱۴۱۱ هـ.ق). الاحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق: ابراهیم البهادری و محمد هادی به، تهران: دارالأسوه.
- علی بن موسی الرضا، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام (۱۴۰۶ هـ.ق). مشهد: بی نا.
- عمید زنجانی، عباس علی (۱۳۶۷). فقه سیاسی؛ حقوق بین المللی اسلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- عیاشی، محمد بن مسعود (بی تا). تفسیر العیاشی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فضلی، عبدالهادی (۱۳۵۷). در انتظار امام، تهران: مؤسسه الامام المهدی.
- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۱۹ ه.ق). الصافی فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶ ه.ق). ینابیع المودّة لذوی القربی، تحقیق: علی جمال اشرف حسینی، تهران: دارالاسوه.
- کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۵ ه.ق). الاصول من الکافی، ترجمه: سید جواد مصطفوی مصطفوی، تصحیح: علی اکبر غفاری، بیروت: دارالاضواء.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ه.ق). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- موسوی اصفهانی، سید محمدتقی (۱۳۸۱). مکیال المکارم، ترجمه: مهدی حائری، قم: ایران نگین.